



بادیگارد

نویسنده و کارگردان: ابراهیم حاتمی کیا

تهیه کننده: احسان محمد حسینی

پرویز پرستویی

مریلا زاری

بابک حمیدیان

امیر آقایی

فرهاد قائمیان

محمود عزیزی

محمد حاتمی

با منسور:

شیراز خداداد

پریوش نظریه

مدیر فیلم برداری: محمود گلزاری
 تدوین: مهدی حسینی وند
 موسیقی: گان هامسونگر
 انتخاب و بازیگردان: مریلا زاری
 تولید: های ویژه بصری: سید هادی اسلامی
 صداگذاری و ترکیب صدا: سید علی رضا علیویان
 مدیر برنامه: سید زینب حسینی
 طراحی: چهارمردان
 طراحی لباس: کاظمین حسینی
 طراحی صحنه: آنا آمانی
 جلوه های بصری: محسن روزبهانی
 مدیر برنامه: زوی علی رضا اسلامی
 مدیر تولید: رحمت صادقی زاده

برایشان رؤیای می سازند. در همین امریکاکه کشور فرصت ها است. آقا اگر کشور فرصت ها است، ۹۹ درصد چرا بدبخت هستند؟ آیا صرف اینکه این فرصت رؤیایی وجود دارد، برای تو کافی است؟ یعنی دوگانه رؤیای وحسرت؛ بابا فیونی که برایت از جهان سرمایه داری می سازم، رؤیای پردازی کن ولدت ببری احسرت ببر. ولی وقتی تو آرمان می سازی، چنین نخواهد شد. الان مثلاً در فلسطین، دقیقاً جنگ رؤیای آرمان است. مثلاً جنبش فتح، فکر نکنید که دغدغه ندارد، بلکه دیگر آرمان ندارد. آخر رؤیایشان هم زیستی در کنار قوم یهود است، اینکه مثلاً قبول کنند که ما هم یک کشور بشویم و آپارتاید وجود نداشته باشد. با همین رؤیای پردازی و تخدیرهاست که اینها دوام می آورند. رؤیای یعنی آن خواست و آن گرایش و آن میلی که تو از تصور کردنش لذت می ببری.

خلسه ای که ازش می گوئی از نظر من یعنی برجام. یعنی طرف باید بیاید ۱۰۰ تومن را بگذارد کنار یک دلاری. در حالی که همه جوانب فلسفی و جوانب سیاسی و اقتصادی اش می گوید غیرممکن است. اما اینکه من تصور بکنم روزی در آسمان اینجا

اینکه به سمت تجهیزات بروی غلط است؛ اینکه تو شناور خوب داری و این شناور شناور توپی است مثلاً خوب هم می جنگد. خوب آمریکایی هم همین قایق تندرو را آورد در خلیج فارس اتفاقاً. آدمی که روی این بایستند نداشت. نکته اصلی این است؛ با فرض قبول این آدم، می گویم آن آدم عضو حماسی که وقتی تیر می خورد، سجده می رود راکه من دارم. به قول آوینی می گوید موشک استیگر آنگاه که در دست پاسدار قرار می گیرد تازه سلاح در مسیر اصلی است که گسترش توحید در سیاره رنج است. ماکه اگر این آدم ها را نداشته باشیم که باخته ایم. ولی این پاسدار باید بروی به سمت آن استیگر. نه اینکه بگوید صرف اینکه من آدم شهادت طلبی هستم، بایبلی می خواهم بکنم. حالا این آدم راکه داری، برایش آن رؤیاها را هم بساز که برای تودور از دسترس نیست رسیدن به موشک های پرسونیک ۱۲ ماخ، اصلاً برو جلوتر.

خب جسارتاً می خواهم بگویم این حرف خیلی اشتباه است. کم هم اشتباه نیست. همین تئوری است که در واقع ۱۰۰ مدل در می آورد. می گوید ۹۹ درصد فقیر هستند در صورت و تمنند. آن ۹۹ درصد چه خاکی در سرشان بریزند؟



وقتی که سینمای طرف مقابل ما کارخانه رؤیاسازی است، سینمایی که ما می خواهیم کارخانه آرمان سازی باید باشد. آرمان خواست و امیال که من می خواهم بهش برسم و نه تنها می خواهم بهش برسم، خواستی است که ارزش آن از خودم بیشتر است. آن خواستی که من خودم را هزینه اش بکنم می شود آرمان